فصلنامه تحقیقات علوم تربیتی در نظام آموزشی

ISSN :2981-099X ((شماره سوم-زمستان ۱۴۰۲)) License Number :94221

بررسی کارکرد روش های سخنرانی و مشارکت گروهی در آموزش کتاب ریاضی پایه ی سوم ابتدایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۰۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۰/۱۶)

آیدا منتظریانی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش به روش مشارکت گروهی بر میزان یادگیری دانش آموزان و مقایسه آن با روش آموزش سخنرانی، در دبستان شیما مرادی استان کرمانشاه طراحی و در سال ۱۴۰۲ اجرا گردید. طی یک مطالعه نیمه تجربی، ۶۰ دانش اموز دختر به عنوان نمونه به طور تصادفی انتخاب، و با توجه به سن، وضعیت تحصیلی، معدل و وضعیت اقتصادی خانواده به دو گروه همتا (۳۰ نفر آزمایش و ۳۰ نفر کنترل) تقسیم شدند. ابتدا با استفاده از آزمون ۱۰ سؤالی بر اساس اهداف رفتاری درس، پیش آزمون انجام شد و سپس به گروه آزمایش با روش مشارکت گروهی و به گروه کنترل از طریق سخنرانی، طی دو جلسه ی ۴۵ دقیقه، آموزش داده شد و با همان سؤالات، پس آزمون انجام شد و با آزمون T مورد قضاوت آماری قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد با وجود اینکه هر دو روش آموزش سخنرانی و مشارکت گروهی بر یادگیری دانش آموزان تأثیر مثبت دارد، ولی آموزش به روش مشارکت گروهی نسبت به آموزش از طریق سخنرانی تأثیر بیشتری بر میزان یادگیری دانش آموزان دارد.

واژگان کلیدی: آموزش، روش سخنرانی، مشارکت، مشارکت گروهی

مقدمه

هر پیشرفتی در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مستلزم وجود افرادی متفکر، خلاق و منتقداست که بتوانند با برنامه ریزی صحیح، تصمیمات درست بگیرند. این امر، منوط به وجود نظامهای آموزش و پرورش فعال و پویایی است که بتواند چنین افرادی را تربیت نماید. ازاینرو میتوان گفت که هر پیشرفتی در جامعه از نظام کارآمدآموزش و پرورش نشأت میگیرد(یزدیان پور و همکاران،۱۳۸۱).آموزش ممکن است با حضور معلم ویا بدون حضور وی از طریق فیلم–رادیو–تلویزیون–وسایر رسانه ها صورت گیرد.مفهوم تدریس به آن قسمت ازفعالیت های آموزشی که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد اطلاق میشود.تدریس بخشی از آموزش است.ولی همچون آموزش یک سلسله فعالیتهای منظم.هدف مدار و از پیش طراحی شده را در بر می گیرد.وهدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است.به آن قسمت از فعالیت های آموزشی که به وسیله رسانه ها وبدون حضور وتعامل معلم با دانش آموز صورت می گیرد.وبه هیچ وجه تدریس گفته نمی شود.بنابراین آموزش معنایی عام تر از تدریس دارد.به عبارت دیگر می توان گفت هر تدریسی آموزش است.ولی هر آموزش تدریس نیست. تدریس در دیدگاههای مختلف ماهیت ومعنای مختلفی دارد.بعضی آن را بیان مستقیم حقایق علمی از طرف معلم به دانش آموزان گروهی دیگر آن را هم ورزی یا تعامل بین معلم ودانش آموز ومحتوا در کلاس درس تعریف کرده اند.عده ای از متخصصان تعلیم وتربیت فراهم آوردن موقعیت و اوضاع احوالی که یادگیری را برای دانش آموزان آسان کند تدریس نامیده اند.دو مفهوم تدریس ویادگیری نقشی تعیین کننده را انفکاک ناپذیر دارند.به این معنی که عمل تدریس صورت نخواهد گرفت.مگر اینکه یادگیری اتفاق افتاده باشد.این چنین تعریفی از تدریس معطوف به اصطلاح تدریس–یادگیری است که در متون علوم تربیتی بسیار دیده می شود.یعنی اگر در فرایند یاددهی–یادگیری معلمی تدریس کند اما عمل یادگیری صورت نمی گیرد.نمی توان مفهوم تدریس را به چنین فعالیتی اطلاق کرد.تمثیل خرید وفروش مثال خوبی برای تبیین تدریس به معنای موفقیت است.در این تعبیر از تدریس که نخست به وسیله دیویی مطرح وسپس به وسیله آیزنر تحلیل وتبیین شده است.تدریس برای آموختن است آن چنان که فروختن برای خریدن است این عبارت به این معنی است که اگر خریداری نباشد

وکالایی مبادله نشده باشد یعنی کسی چیزی نفروخته است.در نتیجه وقتی پس از انجام فعالیت های معلم دانش آموز چیزی یاد نگرفته باشد می توان گفت که تدریس صورت نگرفته است وعمل تدریس با وجود دانش آموز وتحقق یادگیری معنا پیدا می کند.براساس چنین نگرشی تدریس تنها انتقال اطلاعات نیست بلکه یک تعامل یا یک ارتباط بین معلم ودانش آموزان است.اگر در فرایند ارتباطی تاثیر وتاثری اتفاق نیفتد در واقع ارتباطی برقرار نشده است.چنین تعبیری اگر چه زیباست نیاز به تامل وتعمق بیشتری دارد زیرا یادگیری تنها محصول تدریس نیست وهمیشه وهمه جا حتی بدون حضور معلم نیز ممکن است اتفاق بیفتد. معلمان بر تمام متغیر هایی که بر تدریس موثر هستندکنترل ندارند وچنین کنترلی در موقعیت موجود امکان پذیر نیست.اما از ویژگی های خوب چنین تعریفی این است که معلم را موظف می کند تا فعالیت های یاددهی–یادگیری را به گونه ای سازماندهی کند که منتج به یادگیری شود.در روش های سنتی، که امروزه از آنها به عنوان روش های غیرفعال یاد می شود، معلم نقش فعالی در جریان تدریس دارد و مطالب را به طور شفاهی در کلاس بیان می کند و دانش آموزان بدون نقشی فعال باید به صحبت های او گوش دهند و مطالب مورد نظر را حفظ کنند (کرامتی، ۱۳۸۱) روش های سنتی آموزش، محیط کلاس را به عنوان جایی در نظر می گیرند که نقش معلم تنها ارائه اطلاعات به دانش آموزان است. دانش آموزان به صورت انفرادی یا رقابتی کار می کنند. در این روش دانش آموزان عموماً در تلاش اند که نمره خود را بالا برند. در این کلاس ها اهداف، فردی است و این در تضاد با کلاسهای مشارکتی است. یکی از روش هایی که سابقه طولانی در نظام آموزش و پرورش دارد، روش سخنرانی است. ارائه اصول مفاهیم و حقایق بصورت شفاهی از طرف مدرس صورت میگیرد.سخنرانی، از جمله روشهایی است که سابقهٔ زیادی در میان نظامهای آموزشی دارد. سخنرانی معمولترین روش آموزشی است که همهٔ فراگیران را با وجود تفاوتهای فردی در شرایط یکسان، تحت آموزش قرار میدهد. در این روش از بیان شفاهی برای توضیح و تفهیم موضوع استفاده میشود. (فتاحی بافقی و همکاران ،۱۳۸۶)

اساس اینگونه آموزش، ارائهٔ اطلاعات یکسویه از طرف استادبه فراگیران است، بنابراین نوعی انتقال یادگیری و رابطهٔ ذهنیبین مدرس و فراگیرنده ایجاد میشود .سخنرانی معمولترین روش آموزش

است که همهٔ فراگیران را با وجود تفاوت های فردی در شرایط یکسان، تحت آموزش قرار میدهد. در این روش از بیان شفاهی برای توضیح و تفهیم موضوع استفاده میشود. پایه و اساس اینگونه آموزش، ارائه اطلاعات یکسویه از طرف استاد به فراگیران است، بنابراین نوعی انتقال یادگیری و رابطهٔ ذهنی بین مدرس و فراگیرنده ایجاد میشود (فتاحی بافقی و همکاران، ۱۳۸۶). یادگیری مشارکتی یک روش آموزشی است که در آن دانش آموزان در گروه هایی برای رسیدن به اهداف مشترک، کار می کنند. از سویی، مدارس امروز نیاز به آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان را احساس می کنند؛ در حالی که تعدادی از دانش آموزان به صورت طبیعی در مهارت های اجتماعی ماهر هستند، بسیاری از آنها احتیاج یادگیری این مهارت ها دارند (هیل ،۲۰۰۰) یکی از روش های آموزش فعالی که امروزه مورد توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت قرار گرفته، یادگیری مشارکتی است (کرامتی، ۱۳۸۱) اصطلاح یادگیری مشارکتی مربوط به روشی است که طبق آن دانش آموزان در سطوح مختلف عملکرد، در گروه های کوچک برای رسیدن به اهداف مشترک فعالیت می کنند. این دانش آموزان به همان اندازه که در برابر یادگیری خودشان مسئول هستند، نسبت به یادگیری دیگران نیز تعهد دارند. (کرامتی، ۱۳۸۱ به نقل از کاگهال، ۱۹۹۵) آموزش مهارت های اجتماعی به نوجوانان، یکی از مهمترین وظایف خانواده و مراکز آموزشی است. چون فرض بر این است که نوجوانان بدون داشتن این مهارت ها قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین وظایف خود را انجام دهند. (کرامتی، ۱۳۸۱ به نقل از بیلمن و همکاران، ۱۹۹۴) روشهای تدریس مشارکتی به جهت افزایش فرا شناخت دانش آموزان یادگیری آنها را بالا می برد و در فعالیت های گروهی بیشتر مشارکت می نماید و باعث تقویت مهارت های اجتماعی دانش آموزان می گردد. از جمله عواملی که می تواند در رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان تأثیر مستقیم داشته باشد روش تدریس معلم است. از طریق تدریس می توان در رشد همه جانبه دانش آموزان تلاش نمود لذا استفاده از روش های نوین در تدریس دروس می تواند از ملزومات نظام تعلیم و تربیت به شمار آید و از آن طریق در رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان تأثیر داشته باشد.

تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار. معلم برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرش ها، گرایش ها، باورها، عادت

ها و شیوه های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم در بر میگیرد. (شعبانی، ۱۳۸۷) معلمان در کلاس های درس خود با روش ها و شیوه های مختلفی با دانش آموزان در امر تدریس برخورد دارند و به طور قطع به روش های تدریسی که خود معتقدند مطالب درسی را به آنها آموزش می دهند. این مسأله باعث می شود که یافتن یک شیوه یا روشی که مورد وثوق و اطمینان همه معلمین باشد ممکن نباشد ولی می توان از طریق پژوهش کارایی روش های آموزشی را در امر تدریس نشان داد و از این طریق دست اندرکاران آموزشی را متقاعد ساخت که با این شیوه ها بهتر می توان در کلاس های درس موفق شد و فراگیران را به اهداف آموزشی هدایت کرد (افروز و همکاران، ۱۳۸۵). روش مشارکتی نوعی از فعالیتهای آموزشی است که در آن دانش آموز به منظور تسلط بر محتوا و آموزش به صورت گروهی کار میکند. اعضای هر گروه از دانش آموزان با موفقیت تحصیلی بالا و متوسطه و پایین تشکیل شده است.دو عامل مهم در یادگیری مشارکتی به شرح زیر است :

ساختار مشوق مشارکتی: منظور از ساختار مشوق مشارکتی این است که دانش آموزانی که به صورت مشارکتی فعالیت میکنند، در دریافت پاداش به هم وابسته اند.

ساختار وظیفه ی مشارکتی: منظور از ساختار وظیفه مشارکتی این است که به دانش آموز اجازه میدهد با هم بر روی بعضی از وظایف کار کنند و کوششهای خود را به منظور دستیابی به اهداف آموزشی هماهنگ و همسان سازند دو هدف عمده ی آموزش مشارکتی به شرح زیر می‌باشد :

بهبود درک و فهم و مهارتهای شناختی دانش آموزان در موضوعاتی که تدریس میشود.

افزایش مهارت در مقابل اجتماع و احترام به خرده فرهنگ های موجود در مدرسه.

یادگیری مشارکتی در طول دهه‌های گذشته رویکردهای مختلفی ارائه داده، که بهترین آنها عبارتند از:تقسیم بندی دانش آموزان به گروه های پیشرفت تحصیلی- گروه های بازی مسابقه- گروههای مبتنی بر استقلال فردی- فعالیت های تکمیلی

نا گفته نماند هر کدام از روش های مذکور از نظر فشار نوع وظیفـه ای کـه دانـش آمـوزان انجـام میدهند تفاوت دارند. یعنی در بعضی از رویکردها دانش آموزان به صورت گروهی تکالیف و وظایف خود را انجام میدهند و در رویکرد دیگر ممکن است وظایف بین انحصای گروه تقسیم نشده باشد و در صورت لزوم از دیگری کمک بگیرد. اما وجه مشترک همه آنها، پیشـرفت تحصـیلی بـر اسـاس کمک و مساعدت به یکدیگر است.

اصولاً این سوال مطرح است که چه تفاوتهـای اساسـی بـین روش مشـارکتی و سـایر فعالیتهـای آموزشی مربوط به گروههای کوچک وجود دارد. که عامل اصلی تفکیـک و تمـایز روش یـادگیری مشارکتی از سایر گروههای کوچک را می توان در عامل انگیزه جستجو کـرد. چـرا کـه انگیـزه در راهبردهای آموزشی بسیار مهم است و باید از سه ویژگی مهم برخـوردار باشـد: اهـداف گروهـی_ مسئولیت فردی_ فرصتهای برابر برای یادگیری

در اهداف گروهی، کار گروهها براساس ارتقای هر عضو در سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی مـورد شناسایی قرار می‌گیرد. هدف افتخار گروهی و ارتقای موقعیت گـروه اسـت و ایـن ویژگـی دانـش آموزان را تشویق می‌کند که به همه گروههای خود مساعدت نمایند. چرا که عدم موفقیت آنهـا در امتیازشان مؤثر خواهد بود. علاوه بر پاداش گروهی به دلیل حمایـت از کمکهـای متقابـل و ایجـاد تعامل بر ایجاد روابط اجتماعی هم مؤثر خواهد بود. مسئولیت فردی نیز بستگی بـه میـزان تـلاش فرد در فرایند آموزش دارد. به طور جداگانه ای مـورد ارزشـیابی قـرار مـی گیرنـد. تأکیـد بـر ایـن مسئولیت سبب می شود که همه اعضای گروه وظایفشان را به نحو مطلوب انجام دهند تـا موجـب کاهش نمره دیگران نشوند. فرصتهای برابر برای یادگیری بوسیله نظـام نمـره گـذاری بـر مبنـای عملکرد پیشین اعضای گروه تضمین می شود، نه بر اساس رسیدن به سـطح پیشـرفت آزمونهـای هنجاری یا آموزش های معیاری. در واقع فرصتهای برابر مشخص می سازد که رشد و ارتقاء نسبت به گذشته پایه و اساس شناخت گروه است، نه نمـره مطلـق پیشـرفت تحصـیلی. سـپس یکـی از کارکردهای مؤثر روش مشارکتی اینکه دانش آموزان می توانند تعامل و چـالش را تجربـه کننـد و بسوی پیشرفت تحصیلی گام بردارند.مراخل اجرای یادگیری مشارکتی به شرح زیر است :

معلمان سازه های درس را که فراگیران دانش یا مهارت کنترل آن را ندارند کنترل کنند.

علاقه دانش آموزان را برانگیزانند و آنان را وادار به فعالیت سازند.

محتوای درس ماهیتاً متناسب با زمان تدریس و مطلوب و ارزشمند برای تلاش دانش آموزان باشد.ب هی از محاسن یادگیری مشارکتی به شرح زیر است- ارائه یا معرفی محتوا: یعنی مرور اجمالی ساختار مربوط به دانش و فرایند است. یعنی علم محتوای درس را ارائه می دهد و همانند هر راهبرد دیگری اثر بخش این اجرا، زمینه یادگیری بالقوه را فراهم می سازد. در واقع معلم همواره نقش ارائه دهنده محتوا، راهنما منتقد یا مساعدت کننده را بازی می کند و منابع مواد آموزشی را برای فهم محتوای درس فراهم می سازد.

تمرین مهارت یا توسعه فعالیتهای آموزشی در گروههای نا متجانی: دو عامل مهم ساختار وظیفه و نا متجانی بودن اثر بخش گروههای یادگیری را فراهم می کنند. مثلاً هر گروه از (زن، مرد) افرادی با پیشرفت تحصیل پایین، متوسط و بالا طبقات قومی، نژادی و مذهبی مختلف تشکیل می شود. گروههای نا متجانی با عقاید تحصیلی همراه با تواناییهای مختلف بیشتر اهداف تحصیلی را دنبال می کنند.

ارزشیابی دانش آموزان به طور انفرادی: در این مرحله بدون کمک اعضای گروه هر دانش آموز باید تسلط خود را بر محتوای درس در یک ارزشیابی انفرادی نشان دهد.

بازشناسی گروه و ارائه پاداش: در این مرحله، موفقیت گروه بوسیله میانگین نمره های افراد گروه شناخته می شوند. مثلاً اگر علی عضو گروه (الف) در آزمون هفتگی پیشرفت قابل توجهی از خود نشان می دهد، گروه او به دلیل سهیم بودن در یادگیری او به گرفتن درجه یا جایزه ای مفتخر شود محاسن روس های مشارکتی به شرح زیر است:

پیشرفت تحصیلی: هدف و ارتقای عملکرد دانش آموزان در وظایف مهم علمی و آموزشی است.

ارتقای روابط اجتماعی: هدف گسترش روابط اجتماعی فراتر از سطح تحصیلی، محلی و خـانوادگی است و همکاری گروهی در وظایف عمومی را فراهم می کند.

مهارت حل مسأله مشارکتی: یکی از مهمترین مشـارکت در دنیـای امـروزی اسـت کـه فراگیـران مهارتهای مشارکت و همکاری را می آموزند و فضای وحدت و یکدلی را حاکم می سازد.

با توجه به مطالب ذکر شده فوق، تحقیق حاضر با هدف کلی مقایسه تاثیر دو روش تدریس الگوی اعضای تیم و الگوی دریافت مفهوم بر میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی کلاس های چند پایـه انجام شده است و به بررسی این فرضیات پرداخته:

فرضیه اول؛ تدریس با روش سخنرانی برمیزان یادگیری دانش آموزان در کلاس هـای پایـه سـوم تاثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم؛ تدریس با الگوی مشارکت گروهی بر میزان یادگیری دانش آموزان تاثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم؛ تدریس با الگوی مشارکت گروهی نسبت به روش سخنرانی تاثیر بیشتری بـر میـزان یادگیری دانش آموزان در کلاس های پایه سوم دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک تحقیق نیمه تجربی، دو گروهی و دو متغیری است که به منظـور تعیـین تـأثیر متغیر مستقل روش آموزش از طریق سخنرانی و آموزش به شیوه مشارکت گروهی بر متغیر وابسته ی میزان یادگیری در سال ۱۴۰۲ انجام گرفته است. جامعه پژوهش را ۶۰ نفر (شامل دو کلاس) از دانش آموزان دبستان شیما مرادی در شهر کرمانشاه تشکیل میدادند. از بین جامعـه دو کـلاس ۳۰ نفری از دانش آموزان به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد و با روش نیمه تجربی بـه دو گروه آزمایش (تدریس به روش مشارکت گروهی) و گروه شاهد (تدریس به شیوه سخنرانی) تقسیم گردیدند. لازم به ذکر است که کلاس ۶۰ نفری فوق، تا حـد امکـان بـا توجـه بـه سـن، وضـعیت تحصیلی، معدل ترم قبل و وضعیت اقتصادی خانواده به دو گروه همتا (۳۰ نفر آزمـایش و ۳۰ نفـر

کنترل) تقسیم شدند (جدول ۱). گردآوری داده ها در دو مرحله قبل و پس از پایان آموزش کل محتوای تعیین شده انجام شد. گروه شاهد، آموزش محتوا را به روش سخنرانی (با استفاده از تخته سیاه) در جلسه ای ۴۵ دقیقه ای دریافت نمودند و به افراد گروه آزمایش همان مطالب به شیوه مشارکت گروهی توضیح داده شد و فرآیند آموزش در جلسه ای ۴۵ دقیقه‌ای اجرا گردید. سپس بلافاصله، پس آزمون از دو گروه آزمون و شاهد به عمل آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آمار استنباطی (t جفت شده و t مستقل) جهت مقایسه میزان یادگیری استفاده شد. از آزمون آماری t مستقل به منظور مقایسه اختلاف میانگین نمرات سخنرانی با مشارکت گروهی و گردآوری داده ها در دو مرحله قبل و پس از پایان آموزش کل محتوای تعیین شده انجام شد.

یافته ها

یافته های توصیفی نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش به شرح جدول ۱ می باشد.

جدول شماره ۱: نتایج نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش

مقایسه	میانگین	تعداد	انحراف معیار
پیش آزمون	۳/۸۳	۳۰	۳/۱۰
پس آزمون	۱۱/۶۶	۳۰	۲/۴۲

همانطور که در جدول ۱ مشخص است میانگین نمرات پیش آزمون ۳۰ نفر از دانش آموزان (گروه آزمایش) ۳/۸۳ از حداکثر ۲۰ انحراف معیار ۳/۱۰، این گروه پس از دریافت آموزش ۴۵ دقیقه ای با روش سخنرانی، میانگین نمره ۱۱/۶۶ انحراف معیار ۲/۴۲ را به دست آوردند. یافته های توصیفی نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه هدف در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: نتایج نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه هدف

مقایسه	میانگین	تعداد	انحراف معیار
پیش آزمون	۴/۸۰	۳۰	۳/۱۵
پس آزمون	۱۶/۹۰	۳۰	۲/۵۹

یافته های توصیفی پیش آزمون و پس آزمون انجام شده بر روی گروه هدف در جدول ۲ مشخص است میانگین نمره پیش آزمون ۳۰ نفر از دانش آموزان (گروه هدف) ۴/۸۰ از حداکثر ۲۰ با انحراف معیار ۳/۱۵، این گروه هم پس از دریافت آموزش ۴۵ دقیقه ای اما با روش مشارکت گروهی، میانگین نمره ۱۶/۹۰ با انحراف معیار ۲/۵۹ را به دست آوردند.

به منظور بررسی فرضیه اول و دوم تحقیق و مقایسه ی میانگین نمره های پیش آزمون و پس آزمون گروه شاهد و آزمایش از آزمون t جفت شده استفاده شده و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: میانگین و انحراف معیار اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه شاهد و آزمایش

	تعداد	میانگین نمره پس آزمون	انحراف معیار	نتیجه آزمون
سخنرانی	۳۰	-۷/۸۳	۲/۲۹	t=-۱۸/۷۳
مشارکت گروهی	۳۰	-۱۲/۱۰	۳/۰۵	t=-۲۱/۶۹

یافته ها نشان داد که میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه آزمایش در مولفه تدریس به الگوی دریافت مفهوم اختلاف معنی داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد (t= −۱۸/۷۳) و به این معنا است که تدریس با الگوی سخنرانی تاثیر مثبت و معنادار داشته است. لذا فرضیه اول پژوهش حاضر مبنی بر اثر مثبت و معنادار داشتن تدریس با الگوی سخنرانی بر میزان یادگیری دانش آموزان در کلاس های پایه سوم تایید می گردد. همچنین مقایسه ی میانگین نمره های پیش آزمون و پس آزمون گروه هدف حاکی از آن است که بین میانگین نمره های پیش آزمون و پس آزمون گروه هدف در مولفه آموزش با الگوی مشارکت گروهی اختلاف معنی داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد (t= −۲۱/۶۹) و به این معناست که تدریس با الگوی مشارکت گروهی بر یادگیری دانش آموزان در کلاس های پایه سوم تاثیر مثبت و معنادار داشته است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق حاضر تایید می شود. همچنین بر اساس یافته ها جدول شماره ۳ و نتایج آزمون t تفاوت معناداری بین میانگین نمره ی پس آزمون گروه آزمایش که با روش سخنرانی آموزش دیدند و میانگین نمره ی پس آزمون گروه هدف که با الگوی مشارکت گروهی دیدند وجود دارد. بنابراین چنین استنباط میشود که تدریس به الگوی اعضای تیم در مقایسه با تدریس به الگوی دریافت مفهوم به میزان بیشتری بر یادگیری دانش آموزان کلاس های پایه سوم تاثیرداشته است. پس فرضیه سوم تحقیق حاضر نیز تایید می گردد یعنی روش تدریس با الگوی مشارکت گروهی نسبت به تدریس با روش سخنرانی بر میزان یادگیری دانش آموزان در کلاس های پایه سوم تاثیر بیشتری دارد.

نتیجه گیری

روش مشارکت گروهی یک روش تدریس فعال است که در آن دانش آموزان نیز در امر تدریس درگیر شده و از ارائه یکسویه مسائل از جانب مربی خودداری میگردد این روش موجب تقویت حس همکاری و همیاری بین دانش آموزان شده و بر میزان یادگیری آنان می افزاید.

نتیجهٔ تدریس مؤثر، یادگیری کارآمد فراگیران است . فراگیرانی که خوب یاد میگیرند، راهبردهای خوب یادگرفتن و کسب آموزش و پرورش را در خود توسعه میدهند. الگوهای تدریس به رشد

فراگیران، به مثابهٔ فردی با توانایی افزایش تفکـر و رفتـار عاقلانـه و سـاختن مهارتهـا و تعهـدات اجتماعی یاری میرساند(بهرنگی و آقایاری، ۱۳۸۳)

یافته های این پژوهش نشان می دهد که روش سخنرانی که بخش جدایی ناپـذیر و گاهـا الزامـی تدریس است بر میزان یادگیری دانش آموزان پایه سوم موثر بوده همچنین می‌توان از این پژوهش استنباط کرد که الگوی مشارکت گروهی نیز بر میزان یادگیری دانش آموزان موثر بوده است.

در نهایت میتوان به این نتیجه رسید که الگوی ایفای نقش نسبت به روش سخنرانی تاثیر بیشتری بر میزان یادگیری دانش آموزان پایه سوم داشته است.

پس همه ی فرض های مطرح شده درست بوده و پذیرفته میشود.

راهبردهای رویکرد مشارکت گروهی ، دانش آموزان را در اینکه چگونه فکر کنند و چگونـه خـود را ارزشیابی کنند کمک می نماید. در این رویکرد آموزشی ، دانش آموزان با شنیدن انتقادات همسالان خود بینش بیشتری نسبت به وضع و حال خود پیدا می کننـد ، و درک و فهـم خـود را بـه وسـیله شنیدن چگونگی درک و فهم دیگران ، گسترش می دهند (لیتون ، ۱۹۹۴).

ساختار وظیفه مشارکتی موقعیت هایی هستند که به دانش آموزان اجازه می دهند بـا هـم بـر روی بعضی از وظایف کار کنند ، و کوشش های خود را به منظور دستیابی به اهداف آموزشی هماهنـگ و همسان سازد. (اسلاوین ،۱۹۸۴).

اسلاوین معتقد است که روش مشارکت گروهی به طور کامل در افزایش پیشرفت تحصیلی دانـش آموزان موثر است .گزارشات او نشان داد دانش آموزانی که با روش مشارکتی آمـوزش دیـده انـد ، نسبت به گروه کنترل پیشرفت بهتری داشته اند (اسلاوین ، ۱۹۸۲).

روش مشارکت گروهی سبب می شود که دانش آموزان در خلال تعامل و همکاری تجارب خـود را سازماندهی کنند ، و اندیشه های منطقی و مهارت های سطح بالای ارتباط کلامی خود را افـزایش دهند.(آرندز،۱۹۸۸).

آزوبل (۱۹۶۳) در زمینه تاثیر ساخت شناسی معتقد است اندیشه هایی که درباره ی مطالب قبلا آموخته شده یادگرفته شوند ، در مقایسه با مطالبی که به صورت پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر آموخته شده اند ، مدت زمان زیادتری نگهداری می شوند.در روش مشارکت گروهی از طریق مشارکت جدی تر فراگیران و بالا رفتن سطح درگیری آنان ، زمینه ای مناسب تر برای درک خود و آگاهی بیشتر نسبت به ابعادی از خود فرد که برایش ناشناخته مانده است اما دیگران از آنها آگاه اند صورت می پذیرد و این سبب می شود که خودآگاهی ارتقا یابد.

منابع و مآخذ

۱. شعبانی، حسن؛ (۱۳۹۰) مهارت های آموزشی و پرورشی؛ (چاپ بیست و چهارم) . انتشارات سمت.

۲. محمدی، مهدی؛ مرزوقس، رحمت الله؛ ناصری جهرمی، رضا؛ پرفضان، مریم؛ مختاری، مریم؛ (۱۳۹۴) تأثیر تدریس مشارکتی بر انسجام گروهی دانشجویان: بررسی نقش واسطه ای رویکردهای مشارکت دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال شانزدهم، شمارۀ ۳.

۳. دهدار، مجتبی؛ ستوان، صادق؛ بلوچی، رضا؛ (۱۳۹۵) بررسی تأثیر روش تدریس مشارکتی بر مهارت های اجتماعی؛ سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.

۴. گل افروز شهری، هادی؛ خاقانی زاده، مرتضی؛ (۱۳۸۸) آشنایی با روش تدریس سخنرانی؛ مجله راهبرد های آموزش؛ شماره ۲.

۵. کرامتی، محمد رضا؛ مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش آموزان پایه پنجم شهر مشهد؛ دانشگاه تربیت معلم تهران؛ پایان نامه چاپ نشده.

۶. افروز، غلامعلی؛ کلانتری، فتح الله و نصرتی، فاطمه؛ (۱۳۸۵) بررسی تأثیر پیش سازمان دهنده بر یادگیری دانش آموزان؛ مجله روان شناسی و علوم تربیتی؛ شماره ۱ و ۲.

۷. فتاحی بافقی، علی؛ کریمی، حسین؛ انوری، محمدحسین؛ برزگر، کاظم؛ مقایسه تاثیر روش های آموزش سخنرانی و بحث گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان کارشناسی علوم آزمایشگاهی؛ مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی (دوره چهارم): شماره اول؛ ص ۱۳.

۸.یزدیان پور، ن.، یوسفی، ع.ر.، و حقانی، ف. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش به روش پروژهای و مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانشآموزان دختر سوم تجربی فولادشهر در درس آمار و مدلسازی. فصلنامهٔ دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامهریزی درسی، شمارهٔ .۸۵۹۸ص ،۲۲

۹.محمدی، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر برنامهٔ درسی تجربه شده بر رضایت وموفقیت دانشجویان رشتههای مهندسی و علوم پایه ارائهٔ مدلهایتوضیحی. رسالهٔ دکتری، بخش مدیریت و برنامهریزی آموزشی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.

۱۰.فتاحی بافقی، ع.، کریمی، ح.، انوری، م.ح.، و برزگر، ک. (۱۳۸۶). مقایسهٔ تأثیر روشهای آموزش سخنرانی و بحث گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان کارشناسی علوم آزمایشگاهی. مجلهٔ مرکز مطالعات وتوسعهٔ آموزش پزشکی، سال چهارم، شمارهٔ ۲، ص۵۶۵

۱۱.نقادان، م. (۱۳۷۶). جامعه شناسی، مفاهیم کلیدی. تهران: انتشارات آوای نو

۱۲.بهرنگی، م.ر. و آقایاری، ط. (۱۳۸۳). تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیگ ساو در وضعیت سنتی تدریس دانش آموزان پایهٔ پنجم. فصلنامهٔ نوآوری های آموزشی، سال سوم، شمارهٔ ۱۰، ص ۵۳۳۵.

۱۳.هیل، ک.ا. (۲۰۰۰). یادگیری مشارکتی به عنوان ابزاری برای بهبود مهارت های اجتماعی دانش آموزان دوره راهنمایی

۱۴.بلمن، A و دیگران. (۱۹۹۴). تأثیرات شایستگی اجتماعی در کودکان، مجله روانشناسی بالینی کودک، ش۲۳، ص ۲۵-۳۳

۱۵-لیتون (۱۹۹۴) ، مهارت های تدریس در کلاس درس ، ویرایش پنجم ، ماساچوست : D.C Health and Company

۱۶-اسلاوین (۱۹۷۹) ، اثرات متقابل نژادی تیم یادگیری دو نژادی ، مجله ی روانشناسی تربیتی ، ش۷۱ ، ص۳۸۷-۳۸۱

۱۷-آرندز (۱۹۹۸)،یادگیری برای آموزش ، ویرایش چهارم ، نیویورک : مک گراو

۱۸- آزوبل (۱۹۶۳) ، ساختارشناسی و تسهیل کلامی معنادار یادگیری، مجله ی تربیت معلـم ، ش ۱۴، ص ۲۲۲-۲۲۵